

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وبر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

<i>Political</i>	سیاسی
------------------	-------

میر عبدالرحیم عزیز
12/7/2016

یورش دیپلماتیک افغانستان در کنفرانس قلب آسیا



ششمین کنفرانس "قلب آسیا" برای مدت دو روز به تاریخ 3-4 دسمبر در شهر امرتسر هند برگزار شد که یک موفقیت کامل دیپلماتیک برای هند و کمی هم برای افغانستان بود. 40 کشور به شمول امریکا، چین و روسیه درین کنفرانس شرکت داشتند. بزرگترین باخت را درین کنفرانس پاکستان داشت که به ابتکار هند از هر سو بدون ذکر نام مورد حمله و انتقاد قرار گرفت و منزوی گردید. اشرف غنی رئیس جمهور دولت مستعمراتی کابل با استفاده ازین فرصت، خود را در پناه هند قرار داد تا با حمایت این کشور بتواند یورش دیپلماتیک خود را علیه پاکستان جهت دهد. موفقیت نسبی متوجه افغانستان شد، اما هند بیشتر ازین کنفرانس مستفید گردید. حالت مستعمراتی افغانستان این اجازه را برای این کشور نمیدهد که مستقلانه عمل نماید و دست به تعرضات سیاسی و دیپلماتیک بزند. غنی در خلال دو روز کنفرانس در پهلوی مودی صدراعظم هند نشست بود تا در سایه وی احساس امن و آرامش نماید.



کنفرانس "قلب آسیا" یک ضربه کاری دهلی بر اسلام آباد بود که کابل هم از خیرات هند استفاده کرد. کنفرانس آهنگ ضد تروریسم داشت که کاملاً متوجه روش پاکستان در افغانستان و منطقه بود. پاکستان از سال ها بدینسو حامی گروه های تندرو اسلامی بوده است که مرتکب اعمال خشونت بار و تروریسم شده اند. هند و افغانستان شکوه داشتند که پاکستان محل پرورش تروریسم است و گروه های معینی با حمایت دولت پاکستان دست به اقدام تروریستی می زنند و امنیت هند و افغانستان را تخریب می نمایند. گروه های مستقر در پاکستان مانند "الشکر طیبه و جیش المحمد" در داخل پاکستان فعالیت دارند و از همین مکان حملات خود را استقامت می دهند. مبارزه با تروریسم که محراق اصلی این کنفرانس بود باعث شد که توجه به سوی افغانستان که یکی از قربانیان تروریسم است معطوف گردد. لکن افغانستان موفق نشد که پیشنهاد ابتکاری اش در مورد تأسیس یک "چوکات منطقوی در مبارزه علیه خطر تروریسم" مورد توجه اشتراک کنندگان کنفرانس قرار گیرد، زیرا اشتراک کنندگان ظاهراً برای این مأمول آمادگی نداشتند. معلوم شد که روسیه و چین هم مایل نبودند که از پیشنهاد افغانستان به قیمت از دست دادن دوستی ستراتیژیک خود با پاکستان، حمایت نمایند.

اگر دیپلماسی یک هنر است، تطبیق آن در صحنه عمل هنر نمائی می خواهد. کنفرانس "قلب آسیا" در امرتسر تفوق دیپلماسی هند را بر پاکستان حد اقل در آن مقطع زمانی ثابت ساخت و دست هند و افغانستان را بالا برد. هند که قبلاً از روابط ستراتیژیک خود با افغانستان با احتیاط صحبت میکرد تا پاکستان از آن بهره برداری نکند، اینبار جلو را پراند و خود و افغانستان را در یک محور ضد پاکستان قرار داد. در کنفرانس از پاکستان نام برده نشد، اما فضای کفرانس از آغاز تا انجام ضد پاکستان بود. ناریندرا مودی صدراعظم هند گفت "نه تنها یک "عمل قاطع" برای مجادله علیه تروریسم حتمی است، بلکه اقدامات جدی علیه کسانی که تروریسم را حمایت می کنند و تروریست ها را پناه میدهند باید صورت گیرد. تروریسم و تشویق بی ثباتی از بیرون خطرناک ترین تهدید برای صلح، امنیت و پیشرفت

افغانستان محسوب میشود. بی تفاوتی و خاموشی جامعه جهانی به ارتباط افغانستان، تروریست ها و حامیان خارجی آنها را بیشتر تشجیع می کند". جراید و روزنامه های هند، کنفرانس "قلب آسیا" را اوج موفقیت سیاست منطقه ئی مودی معرفی نمودند که توانست هند را من حیث یک کشور مقتدر و صاحب نظر و دور از نفوذ قدرت های جهانی در صحنه سیاست جهان به نمایش بگذارد. به موازات آن افغانستان هم قادر شد که در سایه و حمایت هند تبارز نماید و بر پاکستان تاخت و تاز کند که تا چندی قبل برایش ناممکن بود. البته روابط کشور ها به یک منوال باقی نمی ماند و دچار تحولات موسمی می گردد. با در نظر داشت اینکه افغانستان در اشغال است و رهبری کابل هم در طرح سیاست خارجی خود کاملاً مستقل نیست، دقیقاً نمیدانیم که هند تا کجا در پهلوئی افغانستان استاده خواهد شد و به حمایت خود ازین کشور تداوم خواهد بخشید.

اشرف غنی سعی نمود که با پشتیبانی هند در کنفرانس "قلب آسیا" بدرخشد و به زعم خودش شاید موفق هم شده باشد. تصور میشود که یورش سیاسی و دیپلماتیک مشترک هند و افغانستان بر پاکستان از قبل بین دو کشور طرح ریزی شده بود و غیر منطقی است که آن را تصادفی بپنداریم، خصوصاً اینکه محل کنفرانس در هند تعیین گردیده بود که این کشور هم از سال ها بدینسو در کشمکش با پاکستان به سر برده است. غنی با حمایت سیاسی و دیپلماتیک هند در کنفرانس "قلب آسیا" چنین گفت:

پنج پدیده با هم مرتبط را مشاهده می کنیم، اول شبکه های اقتصاد جرمی، دوم در حدود ۳۰ گروه تروریستی که از سوی ملل متحد مشخص شده اند و تلاش دارند که در کشور ما پایگاه ها ایجاد کنند تا کشورهای خود شان، منطقه و جهان را بی ثبات سازند، سوم عملیات نظامی در پاکستان که شبکه های مشخص افراطی آن کشور را بیجا ساخت تا به افغانستان بیایند، چهارم با وجود تقرب دو جانبه و چند جانبه ما با پاکستان، این کشور با ما در یک جنگ نا اعلام شده قرار دارد که نه تنها کاهش نیافته، بلکه در سال ۲۰۱۶ بخصوص بعد از کنفرانس بروکسل، تشدید یافته است. پنجم اینکه، پاسخ دولت ها پراکنده بوده است و شماری از آنان هنوز هم به این شبکه ها پناهگاه ها فراهم می کنند و آنها را تحمل و حمایت می نمایند. چنانچه یکی از افراد کلیدی طالبان اخیراً گفته است که اگر آنان در پاکستان پناهگاه نداشته باشند، نمی توانند یک ماه دوام کنند.

اشرف غنی همچنان پیشنهاد کرد که که یک میکانیسم آسیائی و بین المللی به وجود آید تا فعالیت و رفت و آمد سرحدی را نظارت کند که برای پاکستان هم قابل قبول باشد. غنی با کنایه گفت که پاکستان سخاوتمندانه مبلغ 500 میلیون دالر را برای بازسازی افغانستان تعهد کرده است، اما پیشنهاد کرد این مبلغ تعهد شده را پاکستان علیه تروریسم مصرف نماید، زیرا در فقدان صلح هر نوع کمک برای ما نتیجه مطلوبی را به بار نخواهد آورد. بایست

یادآور شد که کنفرانس "قلب آسیا" برای افغانستان یک منفعت اقتصادی هم داشت. افغانستان و هند برای کاهش اتکای اقتصادی و ترانزیتی خود به پاکستان، طرحی را برای ایجاد خط هوایی به منظور انتقال اموال تجارتي روی دست گرفته اند. این طرح اقتصادی باعث خواهد شد تا دسترسی افغانستان به بازار های بیرون از کشور افزایش پیدا کرده و دورنمای صادرات قالبین و میوه کشور امیدوار کننده شود. تا اکنون افغانستان برای تجارت خود به بندر کراچی پاکستان وابسته بوده که بعد از عملی شدن طرح دو جانبه هند و افغانستان، اقتصاد کشور قسماً "رونق" خواهد یافت و اتکای آن به پاکستان کمتر خواهد شد.

باوجودیکه پاکستان خود را در کنفرانس "قلب آسیا" کاملاً در حالت محاصره و باخت یافت، بیکار نماند و به حمله متقابل علیه کابل و دهلی پرداخت. سرتاج عزیز مشاور صدراعظم پاکستان که در کنفرانس "قلب آسیا" از جانب پاکستان شرکت کرده بود، گفت: "کشورش در انزوا قرار ندارد و اضطراب افغانستان را هم درک می کند. ما میدانیم که اشرف غنی (رئیس جمهور افغانستان) این سخنان را در خاک دشمن پاکستان بیان کرده است. واضح است که او در تلاش بود آنچه را بیان کند که آن ها، ترجیح میدهند بشنوند... تلاش های هند برای جدا ساختن افغانستان و پاکستان به جایی نخواهد رسید، زیرا این دو کشور همسایه همدیگر بوده و روابط میان افغانستان و پاکستان مستقل است... نیازی به اعمال فشار بر پاکستان برای مبارزه با دهشت افگنی نیست، زیرا پاکستان به اندازه کافی و بیشتر از هر کشور دیگری برای از بین بردن دهشت افگنی کار کرده است". سرتاج عزیز می خواست که یک گردهمایی مطبوعاتی در حاشیه کنفرانس "قلب آسیا" به راه اندازد و دست به تهاجم دیگر سیاسی و دیپلماتیک بزند، اما مقامات هند به بهانه تدابیر امنیتی به او اجازه ندادند که به هدف خود نایل شود.

از طرز صحبت کنایه آمیز سرتاج عزیز آشکار میشود که اشرف غنی شخص مستقل نیست و از خود اظهار نظر نکرده، بلکه همه گفتارش را هند به وی دیکته کرده است. این کنفرانس قبل از همه برای دیپلماسی هند یک موفقیت داشت که توانست روحیه کنفرانس را علیه پاکستان بشوراند و این کشور را در تنگنا قرار دهد. افغانستان هم درین کنفرانس بی بهره نماند، اما تداوم این نوع موفقیت ها برای افغانستان موقتی خواهد بود. با در نظر داشت محدودیت جغرافیائی افغانستان و حالت کنونی مستعمراتی اش، برای این کشور مشکل است که بتواند از زیر فشار های سیاسی و نظامی پاکستان رهائی یابد و مستقلانه عمل نماید. دلایل ذیل، افغانستان را از موفقیت های پی در پی در قبال پاکستان باز میدارد:

اول: افغانستان یک کشور مستقل نیست، بلکه در اشغال امریکا قرار دارد. سیاست خارجی یک کشور اشغال شده محدود است به هدایات و رهنمائی کشور اشغال کننده که خط مش سیاست خارجی همان کشور را تعیین می کند. اینکه افغانستان تا کجا می تواند در روابط

خارجی اش به پیش بنازد، کاملاً منوط میشود به موافقت واشنگتن. امریکا هرگز تحمل زیاده روی افغانستان مستعمره را نخواهد کرد، بالاخص اگر منافع امریکا مطرح شود و یا صدمه ببیند. این خود در مجموع یک مانع عمده سر راه سیاست خارجی افغانستان خواهد بود.

دوم: افغانستان حاکمیت ملی ندارد و در داخل مستحکم نیست. سال ها طول می کشد که افغانستان بتواند بر مشکلات داخلی فایق آید و روحیه وحدت ملی تقویت گردد. این ضعف سبب میگردد که افغانستان نتواند در صحنه سیاست خارجی خود با قوت عمل نماید. سیاست داخلی و سیاست خارجی لازم و ملزوم یک دیگر اند.

سوم: پاکستان به قدر کافی در تمام سطوح در افغانستان جاسوس دارد که می توانند به نفع پاکستان درد سر های جدی برای افغانستان بار آورده و کشور را از درون تخریب نمایند. در حالت وابستگی کنونی و موجودیت یک زعامت دست نشانده، برای افغانستان مشکل خواهد بود که به آسانی از فشار پاکستان نجات یابد.

چهارم: پاکستان یک کشور انتقامجو است. افغانستان باید منتظر عکس العمل نهانی و علنی پاکستان باشد و راه خنثی ساختن آن را بیابد.

پنجم: حمایت هند از افغانستان در همه موارد قابل اندیشه است. هند تا حال از امتحان نهائی در حمایت کامل از افغانستان در مقابل پاکستان نگذشته است. بنابراین، اتکای کامل کابل بر دهلی در نبرد دیپلماتیک علیه پاکستان احتیاط و خردمندی می خواهد.

افغانستان در یک بازی خطرناک گیر افتاده است. نبود استقلال و موجودیت زعامت غیر مستقل، برای افغانستان مجال حق انتخاب بیشتر را نمی دهد. کابل بایست سعی نماید که به اتکای ملت و یاری مردم خویش با "هشیاری" قدم بردارد و عمل کند. مثال کوبا و حمایت مردم این کشور از فیدل کاسترو در تقابل با صد ها توطئه برای زعامت متکی به اجانب کابل آموزنده خواهد بود.